

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.  
بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشایندهی بخشایشگر

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين

## إضاءات من مسيرة يوسف ع روشنگری‌هایی از مسیر یوسف ع

یوسف ع نبی مرسل إلى بني إسرائيل وغيرهم، وقد أقر رسالته وآمن به بعض أهل مصر، ومنهم بعض أفراد العائلة الحاكمة، وهذا مؤمن آل فرعون يُدَّكر فرعون مصر وملاه في زمن رسالة موسى ع بيوسف ع ورسالته ﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ﴾ (غافر: ۳۴).

یوسف ع پیامبری فرستاده شده (مُرسل) به سوی بنی اسرائیل و سایرین می‌باشد. برخی از مردم مصر به رسالتش اقرار نمودند و به او ایمان آوردند و حتی برخی از آنان، از خاندان حکومتی نیز بودند. این مؤمن آل فرعون است که فرعون مصر و بزرگان او در زمان رسالت موسی ع را به یوسف ع و رسالتش یادآور می‌شود. «(و یوسف پیش از این با دلایل روشن بر شما مبعوث شد و شما از آنچه آورده بود، همچنان در شک می‌بودید. چون یوسف بمرد، گفتید: خداوند پس از او دیگر پیامبری نخواهد فرستاد؛ خدا گزاف‌کار شک‌آورنده را اینگونه گمراه می‌سازد)».

وها هو يوسف ع يصدع بدعوته في أصعب الظروف وهو في السجن:

﴿يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَلْزَبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (يوسف: ۳۹)،

بل ويتعرض لدين الملك بشدة دون أن يكون للسجن وإحاطة زبانية فرعون به أي تأثير يجعل يوسف ع على الأقل ليتناً أو مداهنأ في تحطيم الأصنام البشرية التي ألهاها المصريون، بل ها هو يحمل فأسه ويحطم الأصنام البشرية كما حطم جده إبراهيم ع أصنام الحجارة ﴿مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (يوسف: ٤٠).

اين يوسف ع است كه در سخت‌ترين شرايط يعنى زندان، دعوتش را پي مي‌گيرد: «(اي هم‌زنداني‌ها، آيا خدايان متعدد بهتر است يا الله آن خداوند واحد قهار؟)» و حتى با شدت به دين پادشاه متعرض مي‌شود، بدون اينكه زندان و احاطه داشتن نيروهاي پليسي فرعون بر او، كوچك‌ترين تأثيري بر او داشته باشد تا يوسف ع را در موقعيتي قرار دهد كه حداقل در شكستن بت‌هاي بشرگونه كه مصريان به عنوان خدا برگرفتند، نرمي يا سستي به خرج دهد؛ بلكه او ع تبرش را به دوش مي‌كشد و بت‌هاي بشري را در هم مي‌شكند، همان طور كه جدش ابراهيم ع بت‌هاي سنگي را در هم شكست. «(شما غير از خداوند يكتا چيزي جز نام‌هايي را كه خود و پدران‌تان آنها را اينگونه خوانده‌ايد و خداوند حجتی بر اثبات آنها نازل نكرده است، نمي‌پرستيد. هيچ حكمي جز حكم خدا نيست. فرمان داده است كه جز او را نپرستيد. اين است دين راست و استوار ولي بيشتر مردم نمي‌دانند)».

والحقيقة أن الله سبحانه وتعالى لم يتعرض في القرآن لدعوة يوسف ع كنبی مرسل داع إلى التوحيد ويطلب من قومه الإيمان به، كما تعرض لباقي دعوات الأنبياء، بل إن هذه الجهة تكاد تكون غير ملحوظة في سرد مسيرة يوسف ع إلا بقدر قليل يبين رسالة يوسف ع من الله وأنها رسالة إبراهيمية، فلا نجد في القرآن كيف أن يوسف ع دعا قومه، وكيف جادلهم، وماذا ردوا عليه وما هو حال المؤمنين بيوسف ع، وما هو ... وما هو ... أسئلة كثيرة ربما تجد أجوبتها في القرآن إذا كان الأمر يتعلق بالأنبياء المذكورين في القرآن غير يوسف ع، ومع إن سورة طويلة في القرآن اختصت في سرد مسيرة النبي المرسل يوسف ع.

حقیقت این است که خداوند سبحان و متعال آنگونه که به دعوت‌های سایر پیامبران پرداخته است، به دعوت یوسف ع به عنوان نبی فرستاده‌شده که دعوت‌کننده به سوی توحید است و از قومش ایمان آوردن به آن را درخواست می‌کند، نپرداخته است؛ بلکه گویی این جنبه در حکایت کردن مسیر یوسف ع قریباً به چشم نمی‌خورد، مگر به اندازه‌ای اندک که بیان می‌کند رسالت یوسف ع از سوی خداوند است و اینکه رسالتی ابراهیمی می‌باشد. در قرآن نمی‌بینیم که یوسف ع چگونه قومش را دعوت می‌کند و به چه ترتیبی با آنان به بحث و جدال می‌پردازد، آنها چه پاسخی به او می‌دهند و وضعیت مؤمنین به یوسف ع چگونه می‌باشد و چه... و چه... پرسش‌های بسیاری که چه بسا اگر مربوط به پیامبران ذکر شده در قرآن غیر از یوسف ع باشند، پاسخشان را در قرآن خواهیم یافت؛ با این وجود، سوره‌ای طولانی در قرآن به حکایت روند حرکت پیامبر مرسل یوسف ع- اختصاص دارد.

## فلماذا ترك القرآن التعرض لتفاصيل رسالة يوسف ع كما تعرض

لتفاصيل رسالات الأنبياء (عليهم السلام) ؟

چرا قرآن توضیح تفصیل رسالت یوسف ع را به آن صورت که جزئیات رسالت‌های سایر پیامبران (علیهم السلام) را بیان فرموده، ترک گفته است؟!

والجواب: إن سرد القصص في القرآن يراد منه أن يتعظ الناس ولا يعيدوا الكرة مرة بعد أخرى، فموسى ع تذكر قصته في القرآن أكثر من مرة، وكل مرة يراد منها إعطاء صورة للقارئ تختلف عن سابقتها، وبهذا تكتمل عنده الصورة، بل ويصبح يعرف موسى ع إذا رآه من الأمام أو الجانب أو الخلف، والهدف القرآني ليس موسى بن عمران ع بعينه، بل الذي يأتي ويمثل موسى ع، وفي قصة يوسف ع فإن الهدف هو النبوة، بل بالخصوص الرؤيا، وكونها طريقاً لوحي الله سبحانه وتعالى، فالمراد لفت الانتباه إلى علاقة الرؤيا بيوسف الآتي، يوسف آل محمد (المهدي)، بل وان الملاء (العلماء غير العاملين) سيقولون عنها أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ، كما أن ملاء فرعون ﴿قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ

بِعَالَمِينَ﴾ (يوسف: ٤٤).

و پاسخ: منظور از حکایت کردن داستان‌ها در قرآن، درس گرفتن مردم و تکرار نکردن دوباره‌ی آن برخوردها می‌باشد. داستان موسی ع چندین جا در قرآن ذکر شده است و در هر مرتبه شکلی را برای خواننده تداعی می‌کند که با صورت پیشین تفاوت دارد؛ به این ترتیب تمام ترکیب برای خواننده کامل می‌شود و حتی تا آنجا پیش می‌رود که اگر موسی ع را از پیش رو یا از کنار یا از پشت سر ببیند، او را خواهد شناخت. هدف قرآن، خود شخصیت موسی بن عمران ع نمی‌باشد؛ بلکه کسی است که می‌آید و تمثیلی از موسی ع می‌باشد. در داستان یوسف ع، هدف، نبوت و پیامبری و علی‌الخصوص رؤیا است و اینکه راهی برای وحی خداوند سبحان و متعال می‌باشد. بنابراین منظور، توجه دادن به ارتباط رؤیا با یوسفی که خواهد آمد یوسف آل محمد (مهدی) - می‌باشد؛ اما بزرگان - علمای بی‌عمل - در مورد آن خواهند گفت: خواب‌های پریشان است؛ همان طور که بزرگان فرعون چنین گفتند «گفتند: اینها خواب‌های آشفته است و ما را به تعبیر این خواب‌ها، آگاهی نیست».

وهذه الإضاعات ﴿... آيَةٌ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ (القم: ۱۵).

اینها روشنگری‌هایی است «... نشانه‌ای ساختیم؛ آیا هیچ پند گیرنده‌ای هست؟».